

قالب شعر : هر چند در ظاهر به شکل قصیده و غزل است ؛ ولی با توجه به مفهوم شعر ، قطعه است .

- ۱- در پيله تا به کی بر خويشتن تنی ؟ پرسيد کرم را مرغ از فروتنی
- ۲- تا چند منزوی در کنج خلوتی ؟ در بسته تا به کی در محبس تنی ؟
- ۳- در فکر رستتم پاسخ بداد کرم خلوت نشستهم زین روی منحنی
- ۴- هم سال های من پروانگان شدند جاستند از این قفس ؛ گشتند دیدنی
- ۵- در حبس و خلوتم تا وارهم به مرگ با پر بر آورم بهر پریدنی
- ۶- اینک تو را چه شد کای مرغ خانگی کوشش نمی کنی ؛ پری نمی زنی

#### معنی لغت

تنی ؛ می تنی : می بافی ، تنیدن : بافتن / منزوی : گوشه گیر / محبس : زندان / رستن : رهایی ، آزادی /  
زین روی : به این علت / منحنی : خمیده / جستن : رها شدن ، فرار کردن / حبس : زندان ، قفس /  
وارهیدن : رها شدن ، آزاد شدن / بهر : برای ، حرف اضافه .

#### معنی تک بیت صفحه « ۲۳ »

« در زندگی ، مطالعه دل غنیمت است خواهی بخوان و خواه نخوان ، ما نوشته ایم »

در زندگی ، شناخت توانایی های خود ارزشمند است / اگر می خواهی به سخن ما عمل کن و اگر نمی خواهی عمل نکن  
این بیت ، با توجه به فعل های « است ، خواهی ، بخوان ، خواه ، نخوان ، نوشته ایم » ، شش جمله است .

#### معنی لغت های درس سوم صفحه « ۲۴ »

پر تب و تب : پر هیجان / دیدگان : چشم ها / نیک بختی : خوشبختی / می نمایانند : نشان می دهند / هیاهو : سر و  
صدا / بی هیاهو : آرام ، بی صدا .

معنی تک بیت صفحه « ۲۵ »

« آینه ، چون نقش تو بنمود راست / خود شکن ، آینه شکستن خطاست »

چون : اگر ، وقتی ، حرف ربط / بنمود : نشان داد / راست : واقعی / شکن : بشکن ، فعل امر / بیت ، سه جمله .  
اگر آینه ( دوست تو ) ایرادهای تو را به تو گفت ، به جای عصبانی شدن ، آن‌ها را برطرف کن .  
مفهوم : انتقاد پذیر بودن .

شعر « کار و شایستگی » صفحه « ۲۶ » / قالب شعر : قطعه

۱- جوانی ، گه کار و شایستگی است / گه خودپسندی و پندار نیست

گه : زمان / خودپسندی : غرور / پندار : خیال بافی

دوره جوانی ، زمان تلاش و نشان دادن شایستگی‌هاست / زمان خیال بافی و غرور شدن نیست .

۲- چو بفروختی ، از که خواهی خرید ؟ / متاع جوانی ، به بازار نیست

چو : اگر ، وقتی ، حرف ربط / متاع : کالا ، جنس / نیست : وجود ندارد ، فعل غیر اسنادی

بفروختی و خواهی خرید : تضاد / متاع جوانی : تشبیه / بفروختی ، خواهی خرید ، متاع ، بازار : مراعات نظیر

اگر دوره جوانی را از دست بدهی / دیگر نمی‌توانی آن را به دست بیاوری ؛ چون در جایی یافت نمی‌شود

۳- غنیمت شمر ، جز حقیقت مجوی / که باری است فرصت ، دگر بار نیست

بار : یک لحظه / بیت ، تلمیح دارد به حدیث حضرت علی (ع) که فرمودند : فرصت‌ها ، مانند گذشتن ابرها می‌گذرند ...

قدر جوانی را بدان و به دنبال حقیقت باش / چون فقط یک بار اتفاق می‌افتد

۴- مپیچ از ره راست بر راه کج / چو در هست ، حاجت به دیوار نیست

حاجت : احتیاج / راست و کج : تضاد / مصراع دوم : ضرب المثل / مصراع اول : کنایه

از راه راست به طرف راه کج نرو / وقتی راه درست وجود دارد ، لازم نیست بیراهه بروی

بیاموز ، آموختن عار نیست

۵- ز آزادگان بردباری و سعی

آزادگان : جوانمردان / بردباری : صبر / عار : زشت

صبوری و تلاش را از انسان‌های آزاده یاد بگیر / یاد گرفتن ، عیب نیست

۶- به چشم بصیرت به خود درنگر / تو را تا در آینه زنگار نیست

بصیرت : آگاهی ، بینش / درنگر : نگاه کن / زنگار : آلودگی / « را » در مصراع دوم ، فک اضافه

قبل از این که دچار گناه شوی ، خودت را بشناس

۷- همی دانه و خوشه خروار شد / ز آغاز هر خوشه خروار نیست

همی : همیشه / خروار : واحدی در وزن

از روی هم جمع شدن دانه‌ها و خوشه‌ها ، خروار به وجود می‌آید ( موفقیت کم کم و با تلاش به وجود می‌آید . )

۸- همه کار ایام درس است و پند / دریغا که شاگرد هوشیار نیست

دریغا : شبه جمله و یک جمله / مصراع اول ، فعل حذفی دارد ( پند است )

روزگار به ما درس می‌دهد / ولی افسوس که ما هوشیار نیستیم و آن را نمی‌فهمیم .

نکته ادبی « پرسش انکاری »

گاهی برای تأکید و یا رد کردن حرفمان ، سؤالی را مطرح می‌کنیم که خودمان پاسخ آن را می‌دانیم . به این پرسش

، پرسش انکاری می‌گویند .

چو بفروختی ، از که خواهی خرید ؟

فضل خدای را که تواند شمار کرد ؟

که تواند که دهد میوه الوان از چوب ؟

۲- ویژگی‌های مشترک آئینه و دوست را بیان کنید .

هر دو همان قدر که خوبی‌ها را پیش چشم می‌آورند ، عیب‌ها را هم به ما نشان می‌دهند .

گفت و گو صفحه « ۲۷ »

۱- درباره مفهوم جمله « المؤمن ، مِرَاءُ الْمُؤْمِنُ » و ارتباط آن با درس گفت و گو کنید .

« آینه ، چون نقش تو بنمود راست خود شکن ، آئینه شکستن خطاست »

دوست خوب و آینه ، همان قدر که خوبی‌ها را پیش چشم می‌آورند ، عیب‌ها را هم به ما نشان می‌دهند .

نوشتن صفحه « ۲۸ »

۱- در میان کلمه‌های زیر ، هم خانواده کدام واژه‌ها در متن درس به کار رفته است ؟

غنی / حجت / یوم : ایام / مغتنم : غنیمت / مبصر : بصیرت / صبور / دوام / مساعی : سعی / سعید

۲- با ذکر دلیل ، گونه‌های پرسش را در بیت‌های زیر مشخص کنید .

الف) که تواند که دهد میوه الوان از چوب ؟ یا که داند که برآرد گل صد بزرگ از خار ؟

پرسش انکاری ؛ چون پاسخ این سؤال را از قبل می‌دانیم ( چه کسی می‌تواند ؟ هیچ کسی )

ب) خار بر پشت زنی زین سان گام دولت چیست ؟ عزیزیت کدام ؟

پرسش انکاری ؛ چون پاسخ این سؤال را از قبل می‌دانیم ( چه خوشبختی‌ای داری ؟ هیچ خوشبختی‌ای نداری )

ج) هر شب که روی به جامه خواب کن نیک تأمل اندر این باب

کان روز به علم تو چه افزود وز کرده خود چه برده‌ای سود ؟

پرسش معمولی ؛ چون پاسخ آن را از قبل نمی‌دانیم و قصد تأکید یا رد کردن چیزی را نداریم .